

اول فبروری 2010

رفیق گرامی درود های رفیقانه مارا بپذیرید!

ما از صمیم قلب پیروزی و موفقیت شما را در مبارزات تان میخوایم.

بدون شک که شما نیز به این مسئله معتقد هستید که فقط از طریق مبارزه سازنده، رفیقانه و کمونیستی میتوان به وحدت نظر کمونیستی نایل شد. بدون شک شما نیز با ما همنظرید که بدون موجودیت ستادپیش آهنگ پرولتری خلق آزادیخواه ولی اسیروبی نهایت مظلوم و تحت ستم افغانستان از بندرها نخواهند شد. حزب پیش آهنگ پرولتری به یک سلسله بحث های عمیق تنوریک- سیاسی وایدنولوژیک ضرورت دارد. اینک ما بخش دوم برداشت های ما برای روشن ساختن مسیر استراتژییک پرولتاریادر افغانستان، به شما برای اكمال، نقد وکم ساختن فاصله ای که بین ما وجود دارد، می فرستیم. امیدواریم شما در جهت اكمال این بحث اقدام کنید ویا حداقل این مسئله را بمثابه یک بحث جدی تنوریک – سیاسی وایدنولوژیک داخل جنبش کمونیستی کشور تلقی کرده و به آن برخورد فعال نمائید.

بادرود های رفیقانه

مائیست های افغانستان

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*

22 فبروری 2010

به "مائویست های افغانستان";

با درود های رفیقانه!

رفقا و دوستان؛

نامه مورخه اول فبروری شما را به ضم بخش دوم نوشته تان بعنوان (در دفاع از آگاهی سیاسی طبقه کارگر و دستاورد های انقلابی مردم افغانستان، علیه توطئه "نوین" موضع بگیری!) دریافت داشتیم. رسیدگی به تقاضای شما در خصوص مطالب مطروحه، مستلزم آن بود که نامه و ضمیمه اش به غرض انجام یک مباحثه جدی مسئولانه، مشخصا در دسترس آنعده از رفقای (بابا) قرار گیرد که به مسایل مبارزه مسلکی کمونیستی هم اهتمام خاصی مبذول داشته و افزون برآن، فرصت و آمادگی لازم برای این امر را نیز داشتند. اینست که فشرده یک شور و مشورت و مباحثه همین جمع از رفقا، بدینوسیله به اطلاع شما رسانیده میشود:

پیشاپیش باید خاطر نشان ساخت که رفقای (بابا) همواره از هر نوع گفتمان، تعاطی افکار و مساعی اصولی وحدت طلبانه ای که به امر پیشرفت و اعتلای جنبش انقلابی سودمند، و خدمت بمنافع خلق

زحمتکش و آزادبخواه را در مرکز توجه داشته باشد، به گرمی استقبال نموده و در همسویی با آن، البته در حد توان و امکانات خودشان، از هیچگونه مجاهدتی هم دریغ نخواهند کرد.

نیازی به گفتن ندارد که توفیق در امر پیشبرد یک مبارزه انقلابی پیگیر و ثمربخش و هدایت آن در راستای پاسخگویی به میرم ترین خواسته ها و تحقق وظایف و اهداف فوری و تاریخی مرحله کنونی انقلاب کشور، قبل از همه بستگی انصراف ناپذیر به تدارک و توافر ابزار های انقلابی متعارفی - سه سلاح معجزه آسای انقلاب - دارد که یک ستاد پیشآهنگ پرولتری متعهد، فعال، کار آزموده و منضبط، حلقه کلیدی رابط و رهبری کننده آنها را میسازد؛ در این امر اصولا هیچ فرد و نیروی رزمنده انقلابی چه رسد به کمونیست، نمی تواند تردیدی داشته باشد.

نکته در خور غور اما، برخورد ما از نظر عملی به همین ستاد پیشآهنگ میباشد که مسایلی را - همچون چگونگی ترکیب اجتماعی، برنامه مبارزاتی، استراتژی و تاکتیک ... و اینکه حزب پیشآهنگ پرولتری بر چه زمینه ای از یک مبارزه طبقاتی فعال توده ای و بر چه بستری از یک مبارزه هدفمند ایدئولوژیک - سیاسی می بایست تکوین یابد احتوا می دارد. بر همین محور است که تباین دیدگاه های آحاد جنبش کمونیستی کشور متبازل و افتراق مواضع عملی میان شان مشهود میگردد.

اگر "مائوئیست های افغانستان" خواست تأسیس یک حزب پیشآهنگ پرولتری را نیاز عاجل و استراتژیک مبارزاتی کمونیست های افغانستان در موقعیت کنونی تلقی نموده و برای تحقق آن، به شیوه خودشان تلاش و مبارزه می نمایند؛ حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان بیش از یکنیم دهه است که عملا به همین نام تبارز علنی داشته و در راستای اهداف مرامی خود، همچنان به شیوه خودش تلاش و مبارزه می کند.

اگر دو عضو جنبش کمونیستی که هر کدام به یک طیف، یعنی به "جرگه مائوئیستی" کشور منتسب بوده و تا اینجا، حتی از نظر تشکیلاتی هم مسیر مشترکی را پیموده اند، اینک چنان مواضع متضاد و متخاصمی را نمایندگی می نمایند که آشکارا، بر نفی و انکار هویت کمونیستی همدیگر تکیه داشته و براین مبنا، مصداقیت یکدیگر خویش را به شیوه های گوناگونی به سوال می کشند؛ پس بخش های دیگر همین جنبش - از م ل م های منفرد تا کمونیست های مائوتسه دون اندیشه تا مارکسیست - لنینیست ها چطور؟

چگونه و بر چه زمینه ای میشود قاسم مشترکی را در اینجا ترسیم، و برای ایجاد یک وحدت نظر کمونیستی که سرانجام، عینیت مادی سازمانی خودش را نیز در تئوری و پراتیک یک پیشآهنگ پرولتری واحد، متعهد و منضبط متبلور سازد، عملا مبارزه نمود؟

بگذریم از اینکه طیف بسیار گسترده و پرعهده افراد، عناصر و نیرو هایی که هرچند عملا به جرگه ملی - دموکرات های انقلابی تعلق دارند، ولی به امر وحدت نظر اصولی بخش ها و آحاد پراکنده جنبش کمونیستی و ادغام اصولی شان در یک حزب واحد انقلابی پرولتری، در موقعیت کنونی بعنوان یک ضرورت عینی و یک مسئله استراتژیک انقلاب دموکراتیک نوین باور داشته، و در حرف و عمل هم از موضع خودشان، از همین داعیه حمایت و پشتیبانی می کنند.

قصد این نیست که بخواهیم با همچو ملاحظاتی در اینجا، در نیت نبیل انقلابی رفقا تردیدی روا داشته و یا هم بگونه ای، از ارزش مساعی ایشان در زمینه بکاهیم؛ نمی کوشیم که با مسئله سازی ها و بزرگ گردانیدن گویا غیر واقعی پیش زمینه های ایجاد یک حزب واقعا پیشآهنگ پرولتری کار آزموده و

کارساز، دستیابی به چنین امر سترگی را بمثابة یک خواست و ضرورتی دور از منال جلوه گر ساخته و تحقق آنرا بنابراین، به یک آینده خیلی دور و نامعلوم موکول نماییم.

تأکید ما عمدتاً بر اینست که ساختمان موفقیت آمیز یک ستاد پیشآهنگ پرولتری منشود، خود تجسم زنده تلفیق تئوری و عمل کمونیستی بوده که می بایست بر بنیان استواری از یک مبارزه تئوریک و ایدئولوژیک - سیاسی توأم با پراتیک رزمنده انقلابی طبقاتی بنا یابد؛ آغاز و انجام چنین پروسه ای، لازمه اش نه فقط تأمین پیوند عمیق ارگانیک با زندگی عملی کارگران و باقی توده های زحمتکش خلق، بلکه جلب و جذب مداوم و مستمر عناصر آگاه، پیشتاز و رزمنده همین ساحت نیز میباشد. بر یک چنین پشتوانه عینی محکمی است که از نظر ما، منطق وجودی ستاد پیشآهنگ تبیین، ادامه کاری و بقای آن هم تضمین میگردد.

بدیهی است که گام گذاشتن در این مسیر و پیمودن آن، می تواند و باید بمعنای موضعگیری در قبال دیدگاه های محض روشنفکرانه پیرامون ساختمان یک حزب پرولتری، و در حد خودش، همچنان نقد دیالکتیکی تمامی آزمون ها و تقلاهای ناموفق تا کنونی برای ایجاد یک حزب انقلابی واقعاً پیشآهنگ و واقعاً پرولتری تلقی گردد؛ بدین نهج است که میشود نه تنها با آرمان گرایی های انقلابی خرده بورژوازی در زمینه، خط فاصل ماهوی عمیقی ترسیم کرد، بلکه چشم اندازی دقیق، روشن و امیدوارکننده ای را نیز در برابر همه آن روشنفکرانی با درک، با درد و پاکدامن قرار داد، که هرچند کین و نفرت امپریالیسم و ارتجاع را کماکان در خویشتن می پروراند، ولی بدلایلی عینی و ذهنی، و از جمله بعلت امراض بسیار دیرینه و مزمن تفرقه گرایی ها، خودخوری ها و استخوان شکنی های درون ساحت جنبش انقلابی افغانستان، متأسفانه عملاً در حالتی از بی باوری، سرگردانی، افق گم گشتگی و نومیدی به سر می برند.

رویهمرفته از فحوی اظهارات همین نامه در اینجا، همچنان میشود بدینسان استنباط نمود که نگرش و اسلوب عمل رفقای (بابا) در قبال مطلب ارسالی، یعنی بخش دوم نوشته "مائوئیست های افغانستان" بعنوان (در دفاع از آگاهی سیاسی طبقه کارگر و دستاورد های انقلابی مردم افغانستان، علیه توطئه "نوبن" موضع بگیری!) چگونه میتواند باشد.

گذشته از اینها، رفقای (بابا) به این باورند که مباحث مربوط به ایجاد ستاد پیشآهنگ پرولتری، یک مسئله عام و همگانی نمی باشد که بتوان آنرا بطور علنی از طریق انترنت و سایت های انترنتی به پیش برد؛ اهمیت و حساسیت این موضوع البته، چیزی نیست که می بایست در اینجا بر سر آن بحث و مجادله کرد. اگر بخش اول نوشته متذکره که عملاً در سایت "شورش" انتشار یافته، عمومی و علنی میباشد؛ بخش دوم آنرا بنابراین، نمی شود خصوصی و درونی تلقی کرد، هرچند که در آن سایت اشاعه هم نیافته باشد. برعلاوه، پرسش اینست که چرا "مائوئیست های افغانستان" بخش اول نوشته خویش را برای بررسی، و به زبان خودشان، برای اكمال و نقد، به آدرس (بابا) نفرستاده اند؟ آیا همین بخش، نیازی به بررسی و نقد و اكمال نداشته است؟ ...

بهرحال رفقای (بابا) می توانند همین بخش ارسالی نوشته "مائوئیست های افغانستان" را به بحث گرفته و استنباط خودشان از آنرا مستقیماً با رفقای "شورش" در میان بگذارند؛ ولی اینکار نمی تواند و نباید بمثابة نقد یا اكمال نوشته مزبور در چهارچوب نقشه ساختمان حزب، و یا هم در حکم سهمگیری رفقای (بابا) در پیشبرد پلمیک های میان دو جناح "مائوئیستی" افغانستان تلقی گردد، چون اینکار نه با

خواست رفقای (بابا) می تواند مطابقت داشته باشد، و نه هم با میانی فکر و عمل شان تناسبی، که به گوشه هایی از آن در همین نامه به اجمال اشاره شد.

رفقای (بابا) همین بخش دوم دریافتی نوشته "مائوئیست های افغانستان" را نیز، ادامه یک پلمیک زنده - بگذارید بگوییم - انتاگونیستی میان ایشان و حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان ارزیابی میدارند که تبارز فشرده و علنی این پلمیک، مشخصا و بعنوان مثال در دو نوشته منتشره هر دو جناح، در سایت (بابا) قابل رویت میباشد، که گویا هر کدام به زعم خویش، **نیاز های عاجل مبارزاتی کمونیست های افغانستان** را به کنکاش میگیرند!

در پایان لازم بیادآوری است که ارگان نشراتی (بابا) نیز، چنانچه میدانید، حدود دو ماه قبل، نوشته ای را در پاسخ به یک نامه مفصل "مائوئیست های افغانستان" تدوین نموده است، که ارسال آن بدلیل اظهاریه "مائوئیست های افغانستان" در همین خصوص که "لازم نیست جواب بدهید"، تا ایندم معطل گردیده است. توقع میرود که این نوشته و بدنیال آن نوشته های دیگری نیز که برخی از مواضع رفقای "شورش" را رفیقانه بررسی نمایند، به فرصت و به تناوب برایشان گسیل گردند، تا این خود بعنوان نمونه ای از یک تعاطی و تبادل افکار رفیقانه، کمکی گردد در امر آشنایی بیشتر با مواضع و دیدگاه های متقابل و ایجاد فضایی از تفاهم و همسویی در گستره جنبش انقلابی کشور.

با درود های رفیقانه!

جمعی از رفقای (بابا)

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_